



عوامل ضعف مجلات علمی در ایران

ممیز علم به معنای مدرن با دانش در عصر پیش مدرن همین جنبه ارتباطی علم است.

مقصود از جنبه ارتباطی علم، ظهور و ترویج علم در شبکه ارتباط اجتماعی است. این خصیصه علوم مدرن در اصل محصول دگرگونی بنیادی در ماهیت و کارکرد علوم است و ویژگی علم در عصر پیش مدرن شناسایی و حقیقت و اسرار برین بود و دستکاری فرد شناسنده را تحقق می بخشد. دانش نه تنها در فرایند ارتباطی زاده نمی شود بلکه کانون ظهور دانش زاویه های خلوت و تعمق و شهود بود. زندگی روزمره با این کانون بی ارتباط بود و آنچه در جریان زندگی روزمره ایفای نقش می کرد سنتها و باورهای دیرین بود.

مجلات علمی یکی از عناصر شبکه پیچیده تبادل اطلاعاتی در سطح جهان به شمار می روند. گفت و گو از معنا و اهمیت مجلات علمی، پیشاپیش، وابسته به شناسایی این شبکه پیچیده است و بحث از موضوع این شبکه نیز پیشاپیش وابسته به شناسایی عنصر کلیدی اطلاعات و تبادل اطلاعاتی است.

اطلاعات را شکل قابل انتقال دانش خوانده اند. بنابراین مقوله اطلاعات با مقوله ارتباط گره خورده است و حکایت از نقش ویژه علم در عصر جدید دارد تا جایی که می توان گفت یکی از وجوه

ویژگی علم جدید، فرود آمدن به جریان زندگی روزمره است. علم بر مسند کارکرد سنتها و باور پیشین نشسته و دست از آرزوی دستیابی به حقایق برین شسته است. آرامش و تقدس و جاودانگی پیش مدرن، در آیین این کارکرد تو خود را به تلاطم و سرعت و دگرگونی سپرده است و بهبود در زندگی این جهان آدمیان را هدف گرفته است.

در چنین چشم اندازی، هر چه دانش در عصر پیش مدرن در زاویه ها دریافت و انباشت می شد در عصر جدید در ارتباط زاییده و انباشت می شود پیوند یافتن علم با جریان روزمره حیات اجتماعی آحاد افراد را به مشارکت فرا می خواند و فراخواندن هر چه بیشتر افراد به کسب تخصص و مشارکت در باروری و پیش بردن مرزهای دانش، ارتباطات را پیچیده تر می کند.

به این ترتیب مفهوم اطلاعات؛ حکایت از یک خصیصه ذاتی دانش مدرن دارد و آن جنبه ارتباطی آن است. از همین دیدگاه است که می توان اطلاعاتی و سرعت تبادل آن را نمایه ای از اتصال

دانش به تکنولوژی های رسانش علمی و اطلاع رسانی قلمداد نمود.

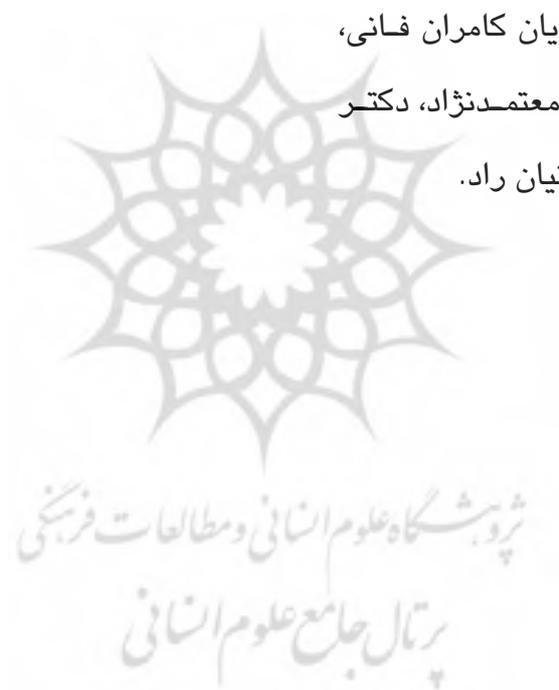
از همین دیدگاه مجلات علمی به عنوان یکی از مصادیق علم و اطلاع رسانی علمی امروزه و به عنوان یکی از مشخصه های اصلی ورود یک نظام اجتماعی به دوره مدرن و یا توسعه یافتگی یک نظام اجتماعی مورد مطالعه قرار می گیرد.

با این مقدمه می توان اهمیت گفتگو از مجلات علمی را دریافت. مجلات علمی صرفاً به عنوان مشخصه ای نمادین، نشانه ای است که بر حسب آن می توان میزان فاصله گرفتن یک نظام اجتماعی از ساز و کارهای سنتی و ورود به عصر مدرن و یا به عبارتی دیگر توسعه نیافتگی یک نظام اجتماعی را ارزیابی کرد.

گفت گوی این شماره از رهیافت را به مطالعه مسائل و مشکلات مجلات علمی در ایران اختصاص داده ایم چند و چون وضعیت مجلات علمی در ایران می تواند منظر تازه ای از بحث توسعه یافتگی و توسعه نیافتگی در ایران محسوب شود.

تعریف و اهمیت مجلات علمی، پیشینه مجلات علمی در ایران و ارتباط آن با سایر نهادهای اجتماعی و عوامل موثر بر ضعف و کاستی و رد مجلات علمی در ایران موضوع بحث و گفت گو با استادان و صاحب نظران حاضر بوده است.

اساتید محترمی که در این گفتگو ما را یاری دادند عبارتند: از سرکار خانم دکتر ستاره غفاری، آقایان کامران فانی، احمد بیرشک، کاظم معتمدنژاد، دکتر نعیم بدیعی، دکتر محسنیان راد.





مفهوم و اهمیت مجلات علمی

در ذکر اهمیت و ضرورت مجلات علمی اجازه بدهید از اشاره آقای کامران فانی به این موضوع آغاز کنیم. ایشان در این خصوص گفتند:

«شاید ساده ترین تعریف این باشد که مجله علمی مجله ای است برای اهل علم، ویژگی این گونه مجلات در روشمندی ارائه مطالب آن است. در گذشته ارائه علوم و معارف بیشتر جنبه خطایی داشت و خطیب مطالب تکراری را بیان بیانی خوش و شیرین برای مخاطبانش باز می گفت: سنت خطابه و منبر در جامعه ما ادامه همین

روش است. حال آنکه امروزه اصل در علم تکراری نبودن است. سخنی که در مجله علمی می آید باید یکتا و بدیع باشد، حاصل تحقیقی جدید باشد که بر دانش موجود بیفزاید و اینهمه البته در نتیجه دید جدیدی است که انسان نسبت به عالم پیدا کرده است و این دید جدید اقتضا می کند وسایل جدیدی به وجود بیاورید که جلوه گر پیشرفت و توسعه دانش باشد تولید علم نخستین با در مقاله علمی تجلی می یابد و ترویج آن از طریق مجله علمی انجام می پذیرد: میان این دو نسبتی تنگاتنگ وجود دارد. توسعه علم هر قدر سریعتر و گسترده باشد

تعداد مقالات و مجلات علمی افزونتر می شود. بگذارید مثالی بزنیم: یکی از مهمترین مجله های علمی آمریکا Physical Review است که جلد اول آن نخستین بار در 1894 در 480 صفحه با 20 مقاله علمی منتشر شد. در 1950 چهار جلد از این مجله با 447 مقاله در 3167 صفحه انتشار یافت. در 1980 تعداد مقالات آن 3403 و حجم آن بالغ بر 29213 صفحه شد. این آمار نشانگر پیشرفت شگفت انگیز علم در قرن بیستم است و مجله علمی شاخص این پیشرفت است.»

دکتر معتمد نژاد، مجلات علمی را از بدو تولد به

عنوان دریاچه هایی توصیف کردند که از طریق آنها برای نخستین بار آخرین پیشرفتهای علمی به جامعه علمی و بین المللی معرفی می شود. ایشان به عنوان مثال از اختراع تلفن یاد کردند. بعد از اختراع تلفن توسط گراهام بل، چون رقبایی هم وجود داشتند و کار گراهام بل از همه پیشرفته تر بود، وی هم در ایالات متحد امریکا و هم در اروپا سخنرانیهای کرد و مقالاتی در زمینه کارش انتشار داد و مجلات علمی در آن زمان این پدیده جدید را به جهان معرفی کردند. توماس ادیسون یکی دیگر از این نمونه های تاریخی است. از اختراعات او دستگاه نمایش فیلم و گرامافون بود او نیز برای معرفی اختراعاتش از مجلات علمی استفاده کرد به این ترتیب می توان گفت که مجلات علمی نخستین منابعی هستند

که پیشرفتهای علمی را منعکس می کنند. دکتر محسنیان راد، ضمن تأیید نظر دکتر معتمد نژاد از استمرار جایگاه برجسته مجلات علمی در ساز و کار تحول علم و تکنولوژی در کشورهای پیشرفته، سخن گفتند: «مجلات علمی یک وزن قابل توجهی دارند. به ویژه که امروزه با آخرین تکنولوژیهای ارتباطی نیز پیوند خورده است. تکنولوژیهایی که امروزه در سیستمهای اطلاعاتی به وجود آمده سرعت کار افزایش داده است. چکیده ها از مجلات علمی در بانکهای اطلاعاتی ذخیره شده است. بنابراین یک محقق، یک مخترع، حتی کسی که در حال تحقیق در خصوص تکنولوژی خاصی است، می تواند در صورت لزوم با مراجعه به اولین بانک اطلاعاتی و دادن چند کلید واژه دریابد که چه مقالاتی

در این خصوص نگارش یافته و چگونه می توان به آنها دست یافت». دکتر نعیم بدیعی در توصیف بیشتر اهمیت و گستره مجلات علمی از تفکیک مهم مجلات علمی به دو گروه مجلات علمی - تخصصی بستر انتقال دیدگاهها، نظرات و یافته های هریک از زمینه های تخصصی است، اما مجله های علمی - عامه عهده دار مسئولیت گسترش دانش علمی در میان توده مردم است. این دوگروه مجله به طور طبیعی از حیث حوزه مباحث و زیان انتقال مفاهیم با هم تفاوت اساسی دارند. مجلات علمی - عامه مطالب را طوری ساده می کنند که برای توده های مردم قابل فهم باشد، مثلا مجلات علمی - تخصصی در رشته خود ما (ارتباطات) آکنده از مباحث پیچیده آماری است تا حدی که بعضا برای

■ **دکتر معتمدنژاد:** مجلات علمی را از بدو تولد به عنوان درجه‌هایی توصیف کردند که از طریق آنها برای نخستین بار آخرین پیشرفت‌های علمی به جامعه علمی، ملی و بین‌المللی معرفی می‌شود.

■ **کامران فانی:** سنت انتشار مجلات علمی در ایران پدید نیامده است. آنچه همواره جامعه علمی ما از آن رنج برده کمبود مجلات علمی و تخصصی است.

می‌کند، حال آنکه مقدم بر هر چیز احتیاج به تبادل نظر با همکاران و هم‌فکران خود دارد. ناگزیر دلسرد می‌شود، دست از کار می‌کشد، چرا که مجله علمی خود انگیزه‌هایی برای تحقیق و تتبع ایجاد می‌کند. از نظر بنده مجله‌های علمی در ایران اصولاً با ضعف‌های نهادی مواجهند.»

الف. ضعف‌های

پیرامونی. موضوع

ضعف‌های نهادین مجلات علمی در کشور را به اساتید محترم به طور مشروح به بحث گذاشتیم. دکتر معتمد نژاد چهار چیز را از اصلی‌ترین معضلات نهادین مجلات علمی در کشور خواندند: ضعف نهادهای پژوهشی، انجمن‌های علمی، مشکلات مالی و مسائل حقوقی. این چهار عامل را می‌توان تحت عنوان مشکلاتی که پیرامون مجلات

متخصصین این رشته هم به دشواری قابل فهم است اما برخی نشریات اصولاً هیچ بحث آماری ندارند. در روزنامه وقایع‌التفاقیه و دولت علیه ایران گاهی اخبار علمی جهان چاپ می‌شد. در اوایل قرن چهاردهم شمسی

ظاهراً نخستین مجلات عامی کاستی‌های نهادین

مجلات علمی در ایران

با این مباحث مقدماتی، به بحث پیرامون جامعه ایران، ویژگی مجلات علمی در کشور و عوامل کاستی‌های محتمل در این زمینه پرداختیم. ابتدا آقای فانی به ذکر تاریخچه‌ای مختصر از ظهور مجلات علمی در کشور پرداخت و مشکل اصلی مجلات علمی در ایران را

به نبود «مجلات علمی در ایران سابقه‌چندان درازی ندارد. در نیمه دوم قرن سیزدهم هجری در اوایل دوره ناصرالدین شاه محقق‌ی که کار تحقیقی کرده اغلب جایی برای ارائه و مطلبش ندارد. منتهی مراتب مقاله‌اش در مجله‌ای غیر تخصصی که مخاطبان دیگری دارد منتشر

علمی جریان دارند و اثرات خود را به ضعف مجلات علمی در کشور باز می کنند مورد مطالعه قرار داد.

1. ضعف نهادهای

پژوهشی. به گفته دکتر معتمد نژاد «اگر مجلات علمی در کشور ما ضعف دارند ناشی از این است که مراکز علمی ما ضعف دارند و علت اصلی مراکز علمی ما هم متاسفانه تحت تاثیر شرایط گذشته کشور و استبداد و وابستگی حاکم، از دوره قاجار به بعد به وجود آمده است. ما چون استقلال سیاسی نداشتیم استقلال علمی و استقلال تکنولوژیکی و استقلال در سایر زمینه های علمی هم نداشتیم. تحت تاثیر همین شرایط است که وقتی دانشگاه تاسیس می کنیم، باز دانشگاهی نیست که ناشی از شرایط داخلی کشور باشد. تاسیس

دانشگاه مثل تاسیس تقلیدی بود. و نتوانستند از همان اول شرایط لازم را برای تولید علمی ایجاد کنند. ضعف علمی دانشگاههای ما در حال حاضر نشانه ای از همین نکته است. وضع علمی ما در دانشگاهها، خواهی نخواهی در مجله های علمی هم اثر می گذارد. وقتی که ما افرادی نداریم که توانسته باشند اکتشاف علمی کنند، اختراع کنند یا در زمینه های علوم اجتماعی، پزشکی، کشاورزی و زمینه های دیگر پیشرفتهایی به دست آورند در این صورت نمی توانیم انتظار داشته باشیم که نشریات علمی ما نشریات پرباری باشند.»

آقای کامرانی فانی نیز در تصدیق این نظر گفتند:

«مجلات علمی تجلی گاه پژوهشها و تحقیقات جامعه علمی کشور است و رابطه و تناسب مستقیم با وضع پژوهشی نهادهای علمی

دارد. موسسات پژوهشی طبعاً باید حاصل کار خود را بصورت مقالات و گزارشهای علمی در مجلات علمی چاپ کنند. موسسات آموزش عالی نیز در کنار کار آموزشی خود به کار پژوهشی می پردازد و نتیجه آن بصورت مقالات علمی منتشر می شود. اصولاً کار آموزش عالی با پژوهش همواره و قرین است. ولی آنچه امروزه شاهدش هستیم ضعف و حتی فقدان پژوهش در دانشگاهها و مراکز آموزش عالی است. استاد و دانشجو چنان غرق در مشکلات و معضلات زندگی روزمره است که وقتی برای پژوهش و نگارش ندارد. ساعات تدریس استادان ما از حد نصاب بسی فراتر رفته است. گسترش دانشگاهها این امر را ناگزیر کرده و اساتید نیز باید حقوق ناچیز خود را با اضافه کردن ساعات تدریس جبران کنند.

بعید است که بتوان این مشکل را در کوتاه مدت حل کرد و روح پژوهش را در دانشگاهها حاکم نمود. چاره کار تقویت موسسات پژوهشی است و افزایش پژوهشگران که صرفاً به امر تحقیق و تالیف بپردازند. در واقع در ادامه حیات مجلات علمی در گرو این کار است والا باید ناقوس مرگ کار جدی تحقیقی را نواخت.»

دکتر محسنیان راد نیز در تایید این موضوع، نهادهای پژوهشی را منبع تغذیه مجلات علمی کنشهای علمی آن جامعه است و می دانیم که کنشهای علمی جوامع در حال توسعه با جوامع پیشرفته همخوانی ندارد و آنقدر فعالیت‌های علمی اندک است که نمی تواند موجب رونق مجلات علمی در کشور باشد. به همین جهت می بینید که مجلات علمی حتی نمی تواند مسئولیت انعکاس تحقیقات علمی را که از

کارکردهای اصلی مجلات علمی است را داشته باشند چون اصولاً چنین حجم درخوری در تحقیقات وجود ندارد و شاید یکی از دلایل اینکه بخش قابل توجهی از حجم مجلات علمی در ایران ترجمه است را بایستی ناشی از همین ضعف خواند.»

2. ضعف انجمنهای

علمی. دکتر معتمد نژاد عدم توسعه مجلات علمی را در کشور را دومین ضعف نهادی مجلات علمی در کشور خواندند و گفتند:

«من فکر می کنم ما باید با همکاری دولت مخصوصاً با کوششهای وزارت فرهنگ و آموزش عالی، تشکیل انجمنهای علمی در محیطهای دانشگاهی را تشویق کنیم. انجمنهای علمی اگر بوجود بیاید، خواهی نخواهی محیط مساعدتری برای کار علمی فراهم می شود و همکاریها و

هماهنگیهای میان اعضای هیات علمی دانشگاهی پدید می آید که در کنار آن می تواند مجلات علمی پرباری ظاهر شود. فقدان یا ضعف این نوع انجمنها در ایران یکی از عوامل اصلی ضعف مجلات علمی در ایران است.»

3- مشکلات مالی.

مشکلات مالی سومین مشکلی بود که از نظر آقای دکتر معتمدنژاد معضلات نهادین مجلات علمی در ایران را می توان بر اساس آن توضیح داد. این معضل از سوی سایر اساتید نیز مطرح و مشروحاً به آن پرداخته شد.

دکتر محسنیان راد، تصویری عینی و ملموس از مشکلات مالی مجلات علمی و نحوه اثر گذاری آن ارائه کردند: «در کشورهای پیشرفته هیچ دغه دغه ای از حیث بازار فروش مجلات علمی وجود ندارد. در نتیجه

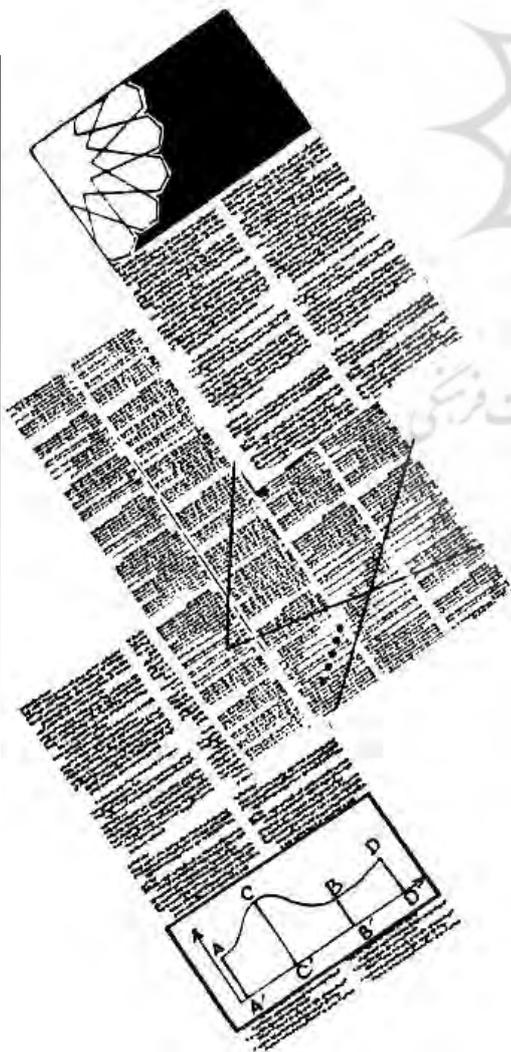
■ دکتر بدیعی: دانشکده ها یا دانشگاهها بایستی این امکان را فراهم آورند که E. Mail نه در اطاق ریاست بلکه در اختیار استادان قرار گیرد... اگر چنین امکاناتی فراهم شد تحقیقات انجام خواهد شد و اگر تحقیقات صورت گرفت آنگاه شما حرف از موضوع مجلات علمی و رفع مشکلات آنها بزنید.

■ دکتر ستاره غفاری: مجلات علمی در کشورهای پیشرفته عموماً با سوبسید ادامه حیات می دهند و سود حاصل از فروش شماره های یک مجله چندان نیست که قابل توجه باشد.

به طور جدی حل نمی شود و به خودی خود در کیفیت مجلات علمی اثر می گذارد. به این نحو که مجلات علمی برای جذب در بازار ناچار می شوند ارتفاعشان را بیشتر کنند و اگر مجله شیمی در می آورند در مورد همه ی مقوله های شیمی مقاله داشته باشند. می بینید از شیمی عالی

شما در تخصصی ترین موضوعات می توانید مجله در بیاورید. زیرا در همان تخصصی ترین موضوعات انتشار یک مجله با تیراژ هزار عدد می تواند مقرون به صرفه باشد بین المللی بودن زبان این مجلات از عوامل موفقیت آنها از حیث بازار است زیرا در سراسر جهان هزار متخصص در آن رشته وجود دارد که با آن زبان بین المللی کاملاً تسلط داشته باشند و با علاقه این نشریه را بخرند و بخوانند. اما شما در جامعه علمی ایران موضوع را قیاس کنید. اگر شما در ایران بگردید کسی که روی فیزیک کوآنتوم متخصص برجسته باشد پیدا می کنید، اما تعداد اینها بسیار کم است. در سایر رشته های علمی هم همین وضعیت را دارید. اگر در چنین شرایطی بخواهید مجله علمی منتشر کنید مجله ای که کاملاً تخصصی باشد، آن هم به زبان فارسی، این مجله تعداد اندکی مصرف کننده خواهد داشت. مصرف کنندگانی که عاشقانه مایلند آن مجله را بخرند و بخوانند. بیرون از ایران هم که این مجله بازاری نخواهد داشت این وضع البته با کمکهای دولتی هم

شما در تخصصی ترین موضوعات می توانید مجله در بیاورید. زیرا در همان تخصصی ترین موضوعات انتشار یک مجله با تیراژ هزار عدد می تواند مقرون به صرفه باشد بین المللی بودن زبان این مجلات از عوامل موفقیت آنها از حیث بازار است زیرا در سراسر جهان هزار متخصص در آن رشته وجود دارد که با آن زبان بین المللی کاملاً تسلط داشته باشند و با علاقه این نشریه را بخرند و بخوانند. اما شما در جامعه علمی ایران موضوع را قیاس کنید. اگر شما در ایران بگردید کسی که روی فیزیک کوآنتوم



گرفته تا شیمی مصرفی و بسیاری مقوله های دیگر این رشته می توانید مقاله پیدا کنید.

حال وقتی یک متخصص یک شماره از این مجله را به دست می آورد بخشی از نیازش تامین می شود من این مشکل را به یک هتلی تشبیه می کنم که تمامی اطاقهایش مسافر دارد اما هر مسافرش از یک ملیت است و رستورانش بایستی غذایی درست کند که تقریبا به ذائقه ی همه خوش آید ولی هیچکس را به حد کافی راضی نمی کند و خواسته اش را تامین نمی کند.

خانم دکتر ستاره غفاری، به این نقطه نظر آقای دکتر مخسنیان راد که مسایل مالی مجلات علمی، از قانون عرضه و تقاضا پیروی می کند و سود حاصل از فروش مجلات می تواند هزینه های یک مجله علمی را تامین نماید مخالفت نمود. به گفته

ایشان: «مجلات علمی در کشورهای پیشرفته عموما به سوبسید ادامه حیات می دهند. و سود حاصل از فروش شماره های یک مجله چندان نیست که قابل توجه باشد. اگر هم شما مجله ای علمی را ببینید که از دولت سوبسید نمی گیرد و ظاهرا مستقل چاپ میشود، این مجلات، به شرکتهای غول پیکرو بزرگ وابسته اند که از آنها سوبسید دریافت می کنند. مثلا حتی یک مجله با چاپخانه و تمامی امکانات متعدد دیگرش از سوی یک شرکت بزرگ تاسیس می شود تا بستری برای سرمایه گذاری و حل مشکلات جانبی آن شرکت باشد. اینکه فکر کنیم یک مجله را با پنج فرانک تولید می کنیم و چشم به فروش آن قیمت شش فرانک داریم واقعی به نظر نمی رسد».

آقای احمد بیرشک در این خصوص عبارتی داشتند که

در تکمیل موضوع مشکلات مالی مجلات علمی در ایران خالی از لطف نیست:

«ما امروز مجلات معدود اما خوب داریم ولی شاید توجه نداشته باشیم که این مجلات به چه خون دلی به دست من و شما می رسد و با تحمل چه شدایدی روبه رو هستند.

یک مجله علمی باید خود کفا باشد یعنی به عبارتی عامیانه، خرج و دخل کند. تهیه کنندگان این نوع مجلات، و بعضی مجلات اجتماعی که در سودمندی در عرض این مجلات هستند از خود گذشتگی نشان می دهند تا بتوانند عشق خود، یعنی وسیله خدمت به نوع خود را زنده نگه دارند. اگر از بیم صدمه زدن به نفس این گونه کسان نبود از چند مجله نام می بردم. اما این کار را نمی کنم و فقط می گویم مجلات - در هر جامعه - نیاز به کمک دارند. مجلات خوب، مثل

مدارس و دانشگاههای خوب
به مردم خدمت می کنند،
خدمتی علمی و عاری از
شائبه.»

4- مشکلات حقوقی.
چهارمین مشکلی که مجلات
علمی در ایران با آن مواجهند
مشکلات حقوقی است. دکتر
معمدنژاد ضمن تاکید به این
نکته اظهار داشت: «چرا ما
باید مجبور باشیم که برای
نشریات علمی از وزارت
فرهنگ و ارشاد اسلامی
اجازه بگیریم. چرا دانشگاهها
و وزارت فرهنگ و آموزش
عالی را در شرایطی قرار می
دهند که مسئولان دانشگاهی
و محققین و صاحب نظران
کشور و ادار می شوند به
عنوان مدیر مسوول نشریات
در صف انگشت نگاری
بایستند. اخیرا معاون
پژوهشی دانشگاه ما از
مشتقات که در صف انگش
نگاری با آن مواجه شده بود

■ دکتر محسنیان راد: منبع تغذیه

مجلات علمی کنشهای علمی آن
جامعه است و می دانیم که کنشهای
علمی جوامع در حال توسعه با
جوامع پیشرفته همخوانی ندارد.

■ احمد بیرشک: یک مجله

علمی باید خودکفا باشد. یعنی به
عبارتی عامیانه دخل و خرج کند.

سخن می گفت ایشان رفته
بود تا عدم سوء پیشینه به
وزارت فرهنگ و ارشاد
اسلامی و بر اساس قواعدی
که آنها پیش بینی کرده
بودند، بتواند یک مجله
تحقیقاتی و علمی منتشر کند.
باید با همکاری وزارت
فرهنگ و آموزش عالی و
وزارت فرهنگ و ارشاد
اسلامی، شرایطی ایجاد شود
که نشریات علمی، نیازمند
طی این مراحل دشوار
نباشند و این خود هموار
کردن راه برای گسترش و
بسط مجلات علمی است.»
دکتر محسنیان راد
در تشریح همین معضل
افزودند: «یک نمونه دیگر
از معضلات حقوقی مجلات
علمی را اجازه بدهید در
تکمیل فرمایشات آقای
دکتر معمذنژاد عرض کنم:
در مجلس قانونی تصویب
شده که طبق آن تمامی
قراردادهای پیمانکاری که
در کشور امضا می شود،



بایستی پانزده درصد از کل هزینه قرارداد به علاوه یک نهم آن را - که سبب موج شدن آن می گردد - به سازمان تامین اجتماعی بدهند که این رقم در واقع حق بیمه ی نیروی کاری است که با این پیمانکاری به کار مشغول می شود. یکی دو سالی که از این قانون گذشت، به تدریج ادارات حقوقی سازمانها و وزارت خانه ها، قانون مزبور را به تمامی قراردادهای پیمانکاری و از آن جمله تحقیقات تعمیر دادند. در حالی که در خصوص تحقیقات علوم اجتماعی کارگر پل ساز و عمله و بنا وجود ندارد. حتی این قانون بعدها به کار مولف کتاب هم تعمیر داده شد. خوب ببینید این مسایل حقوقی طبعاً روی کار نهادهای پژوهشی و از آن جمله جملات علمی اثرات نامطلوبی خواهد داشت.

ب. ضعفهای درونی.

اما علاوه بر مسایل فوق الذکر که می تواند مشکلاتی پیرامونی و بیرونی مجلات علمی خبر دهد، آقای دکتر محسنیان راد از دو محور ضعف تخصصی در نشر مجلات علمی و فقدان تجربه مستمر در انتشار مجلات علمی سخن گفتند که می تواند بیشتر به ساز و کار درونی مجلات علمی ارتباط یابد، گرچه خود محصول مسایل پیش گفته است.

1. ضعف بنیه علمی

نویسی در ایران. دکتر محسنیان راد در این خصوص گفتند: علمی نویسی اصولاً برای خود یک تخصص است و می بینیم که سردبیران مجلات تخصصی - علمی در دنیا قواعدی برای کار خود دارند. مثلاً هم اینک در ایتالیا یک دوره دو ساله فوق لیسانس با بودجه یونیسکو تشکیل می شود.

در این دوره ها دانشجوی لیسانس در رشته فنی - مهندسی را جذب می کند تا در خصوص روزنامه نگاری در رشته خود فوق لیسانس بگیرد. تا این فرد بتواند مجله ی مهندسی مکانیک را به نحو تخصصی و علمی منتشر کند. مجلات علمی ما در این زمینه مشکل دارند. به هر حال مجله علمی بایستی زبان خاص خودش را داشته باشد، زبانی که علاوه بر انطباق با مقولات آن رشته تخصصی با کتاب متفاوت باشد. به علاوه کلی دستورالعمل هست درباره اینکه چطور برای مقالات چکیده نویسی شود به طوری که بتوان همان چکیده را به بانکها اطلاعاتی کامپیوتری منتقل کرد و این خود یک تخصص است. مجلات علمی در ایران بعضاً چکیده نویسی ندارند بعضی ها چکیده نمی نویسند، خلاصه می نویسند.

2. فقدان تجربه مستمر در انتشار مجلات علمی. به نظر دکتر محسنیان راد، عدم استمرار مجلات علمی در ایران، از عوامل جدی ضعف کیفی مجلات علمی محسوب می شود. چرا که این عامل سبب عدم تمایل محققین جدی ایرانی به نشر مقالات در نشریات داخلی شده است: «در مطالعه که انجام شده است، از 1900 تا 1986 در ایران، اکثر مجلات علمی که دولت یا بخش خصوصی منتشر کرده اند عمر بسیار کوتاهی داشته و دچار مرگ زودرس شده اند، اگر اشتباه نکنم میانگین عمر آنها بیش از 2 سال نبوده است بعضی در همان شماره نخست متوقف مانده اند و نتوانسته اند ادامه دهند».

آقای فانی یکی از عوامل عمر کوتاه نشریات علمی را اتکا آنها به فرد دانستند: «مجله های علمی در ایران

اکثرا مبتنی بر یک نهاد نبودند. همیشه قائم به افراد بوده اند. چون فرد می آمده و می رفته، عمر این مجلات هم کوتاه بوده است. مجله علمی را نهادهای علمی، مثل انجمنها، سازمانها، گروهها و نیز موسسات و آموزشی منتشر می کند. در این میان نهادهای علمی دولتی البته بیشتر استقرار داشتند و باز هم چون مجلات وابسته به افراد بودند با رفتن فرد مجله هم تعطیل می شده است. ناگزیر سنت انتشار مجله علمی در ایران پدید نیامده است و هر تجربه مستمری در این زمینه ندارد».

راه حلها

1. مشکلات اقتصادی

در خصوص حل مشکلات، بویژه مشکلات اقتصادی، در یک دیدگاه کلی، دونقطه امید به چشم می خورد: دولت و مردم.

آقای کامران فانی نقش دولت را در این زمینه را بسیار کارآمد و جدی می داند و در عین حال نقش بخش خصوصی را نیز در این زمینه تعیین کننده ارزیابی می کنند: «اولین راه حلی که برای رفع مشکل معمولاً به ذهن می رسد و شاید به نظر سهل ترین راه حل هم باشد کمک دولت است. امروزه در مورد نقش علم در توسعه و تحول جامعه جای شکی نیست و بر دولت فرض است که لوازم رونق و شکوفای آن را فراهم آورد. از جمله این لوازم یکی هم پشتیبانی مالی از مجلات علمی است. کمک مالی دولت به مجلات علمی باید بصورت برنامه ای سنجیده و منسجم و اصولی باشد، و نه موردی، و تداوم و استمرار داشته باشد. ولی مجلات علمی، نباید غفط به کمکهای دولتی متکی باشند، موسسات خصوصی،

کارخانه و شرکتهای صنعتی هم نیازمند پژوهش علمی اند. رونق آنها به یک تعبیر بستگی به پیشرفت علم و تکنولوژی دارد. دانشپرووری برای آنها در واقع جنبه اقتصادی دارد و در نهایت به رونق کارشان می انجامد. این حقیقت را باید به آنها تفهیم کرد. کمک مالی آنها به مجلات علمی در نهایت سرمایه گذاری اقتصادی در حرفه خودشان است. بسیاری از مجلات علمی در دنیا با پشتیبانی شرکتهای خصوصی منتشر می شوند. سرمایه دار ایرانی تاکنون کمتر به این مسئله اندیشیده است. می توان به شیوه هایی اندیشید و برنامه هایی ریخت که بخش خصوصی را علاقه مند به این کار کرد. سرانجام همت خود اهل قلم باید مددکار شود و دستکم با خرید مجلات در حوزه تخصصی خود بار مالی

بخشی از هزینه ها را به دوش بگیرد». آقای احمد بیرشک نیز همین نظر تاکید قرار دادند، اما در عین حال بیش از مردم یا دولت به نهادهای واسطه چشم دارند: «دولت حد اعلاى كوشش را می كند كه دبستانها و دبیرستانها و دانشگاهها را به وسایل لازم مجهز سازد اما مجله... چه بگویم که ندانید؟ به مجله ها چه کسی باید کمک کند؟ مردم؟ تنها کمکی که می توانند بکنند خریدن تک شماره یا احیاناً مشترک شدن مجله است و

■ **کامران فانی : مجلات علمی تجلی گاه پژوهش ها و تحقیقات جامعه علمی کشور است و رابطه و تناسب مستقیم با وضع پژوهشی نهادهای علمی دارد.**

این کمک به جایی نمی رسد. البته با وجود مشکلات و دیگر اولویت ها در دولت

نمی توان بیشتر از حد به این کمک دل بست حتی توقع آن را داشت. البته دولت می تواند از هر شماره از مجله های علمی خوب نسخه های زیادی بخرد و کتابخانه ها بدهد. اما اداره دیگری هست که در اینجا مطرح می کنم. موسسات اقتصادی و صنعتی، بانکها و کارخانه ها هم میتوانند بخشی از درآمد سرشار خود را برای کمک به موسسات پژوهشی و مجلات علمی اختصاص دهند و البته باید این بخش از درآمد آنها از مالیات معاف باشد. راه دیگری هست که شاید نزدیکتر باشد. ما مردم نیکوکاری داریم. مؤسسات خیریه ای وجود دارند که با کمک این نیکوکاران خدمات در خوریتایش به معلولان و تنگدستان می شود. کسان دیگری را هم داریم که در راه خدا به ساختن مساجد می پردازند. این رادمردان را متوجه ساخت که صواب

کمک به پیشرفت جامعه ای که پویاست کمتر از ساختن مسجد نیست. راست است که عبادت پروردگار بخشنده را همه جا می توان کرد. خدای بخشنده و مهربان کار نیک را تشخیص می دهد خواه به صورت ساختن مسجد و آب انبار باشد و خواه به صورت کمک به پیشرفت جامعه و از آن جمله کمک به نشر مجلات علمی».

2. سایر مشکلات

اما در خصوص حل سایر مشکلات نیز اساتید راه‌حلهایی ارائه کردند. از جمله آنکه برای جبران ضعف نهادهای پژوهشی در ایران و مجلات علمی به طور خاص می بایست امکاناتی برای وسعت بخشیدن به امکان بهره گیری از مجلات علمی جهان فراهم گردد. وسعت بخشیدن به این امکان علاوه به بسیاری از سودمندیهای علمی مستقیم و

غیر مستقیم اش، از این جهت هم حایز اهمیت است که به تدریج شبکه ی مجلات علمی در ایران را نیز تقویت می کند.

دکتر محسنیان راد در این زمینه پیشنهاد کردند که «وزارت فرهنگ و آموزش عالی مرکزی در ایران تاسیس کند و تمامی مجلات علمی متنوعی را که در دنیا چاپ می شود حداقل یک نسخه اش را خریداری و در این مرکز نگه داری کند تا جامعه علمی ایران با این قیمت دلار و وضعیت اقتصادی که الان هست، حداقل بتواند به مطالبی که نیازمند است از طریق این مرکز به آنها دست یابد. و مطلوبتر خواهد بود اگر ماهنامه ای نیز منتشر کند و چکیده مقالات اینها را به زبان فارسی در اختیار تمامی حوزه علمی کشور در رشته های مختلف بگذارد و

این به نظر من کار بسیار بزرگی است.»

دکتر بدیعی در این خصوص به امکان استفاده محققین ایرانی از خطوط ارتباطی بین المللی اشاره کردند ایشان در این زمینه گفتند: «شما ببینید تمامی استادان ایرانی یا خارجی که با آنها در تماس هستیم همه یک شماره خط E.Maill دارند. دانشجویان خود ما که برای تحصیل به کشورهای خارجی رفته اند هم بالای نامه های خود شماره E.Maill خود را می نویسند. آنها با همه جا در ارتباطند. دانشکده ها یا دانشگاهها بایستی این امکان را فراهم آورند که E.Maill نه در اتاق ریاست بلکه در اختیار استادان قرار گیرد و ما بتوانیم مجانی ارتباط بگیریم و آنچه می خواهیم کسب کنیم. اگر چنین امکانی باشد تحقیقات انجام خواهد شد و اگر تحقیقات صورت

گرفت آنگاه شما حرف از
موضوع مجلات علمی و رفع
مشکلات آنها بزنید».

رهیافت با تشکر از همه
اساتید، امیدوار است
توانسته باشد با انعکاس
نقطه نظرات ارزشمند ایشان،
گامی در بهبود روند انتشار
مجلات علمی و از این طریق
بهبود نهاد پژوهش و تحقیق
در کشور برداشته باشد.

